

Privileges and characteristics of Laylat al-Qadr in Shia sources: an analysis of the Issuance and Hadith jurisprudence

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Saleh Daryae Fard¹

Mahdi Mahrizi^{2*}

Mozhgan Sarshar³

Seyed Mohammad Ali Ayazi⁴

How to cite this article

Daryae Fard Saleh, Mahrizi Mahdi, Sarshar Mzhgan, Ayazi Seyed Mohammad Ali, Privileges and characteristics of Laylat al-Qadr in Shia sources: an analysis of the Issuance and Hadith jurisprudence, *Journal of Quran and Medicine*. 2022; 7(2): 125-138.

1. PhD student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author).

3. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: toosi217@gmail.com

Article History

Received: 2022/06/07

Accepted: 2022/08/27

ABSTRACT

In the culture of the Holy Qur'an and the traditions of the Infallible (PBUH), Shab al-Qadr is a great night of the year. And the privileges of this night over other nights are due to the things that are determined in this night. This article is based on Sadari (document) and Hadith jurisprudence (textual) analysis of the narrations related to the characteristics and characteristics of the Night of Destiny in Shia sources. These narrations are divided into two thematic categories; The first category is the characteristics that are related to the doing of spiritual wisdom by the angels in this night; And in the second category of narrations, there are characteristics that are related to the material and external affairs of Shab Qadr. The research method in this article was library in terms of collection and ijthad in terms of analysis. In the transmission analysis, according to the priority of the century and the chronological order of transmission of the narrations in the first edition of each, the validation of these narrations as authentic sources, in terms of the connection of the document and the authenticity of the narrators, was discussed. During the research, it was determined that out of 18 narrations, 4 narrations are Sahih Al-Sinad, 2 are authentic and the rest are weak. And in the analysis of hadith jurisprudence, the description of the content of hadiths is taken into consideration. The summary of these narrations is that Lailat al-Qadr was the night of the revelation of the Holy Quran, the night of determining the affairs and planning of the year and its responsibility by the Ahl al-Bayt (PBUH), the night of the angels descending upon the ruler and the night of being safe and healthy until dawn. And this night, repeated every year, is counted as the beginning and end of the year and the beginning of creation and has exclusive signs.

Keywords: Privileges, characteristics, Shia narrations, Issuance analysis, Hadith jurisprudence analysis

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

*نویسنده مسئول: toosi217@gmail.com

صدوری و فقه الحدیثی

مقدمه

در فرهنگ قرآن کریم و روایات معصومین (ع)، شب قدر یکی از شب‌هایی است که برای مسلمانان از جایگاه ویژه ای برخوردار است. هم قرآن کریم بدان اشاره کرده و تجلیل نموده و هم احادیث بسیاری به آن پرداخته اند. شب قدر، بر اساس آیات و روایات، از شب‌های مقدس و متبرک اسلامی است. در احادیث اسلامی نیز به صراحت بیان شده که در تمام سال شی به خوبی و ویژگی‌های منحصرش شب قدر نمی رسد. شناخت ویژگی (خصوصیت) های شب قدر، از جمله مسائلی است که نباید نسبت به آن سهل انگاری شود زیرا شب قدر، برای هرانسانی شب سرنوشت سازی است و شناخت حوادثی که در این شب مبارک اتفاق می افتد در بالا بردن معرفت، کسب فیوضات مادی و معنوی این شب و تقویت ایمان نقش به سزایی دارد. بی شک دلیل امتیازات این شب بر شب‌های دیگر به اعتبار اموری است که در این شب مقدر می گردد، وگرنه اجزای زمان یا مکان، درجه و رتبه وجودیشان یکی است و بین آن‌ها تفاوتی وجود ندارد. حال سؤال این است: مگر در این شب چه پیش آمدهایی رخ داده که این شب از جنین عظمت و ویژگی‌هایی برخوردار گشته است؟ وجوه تمایز این شب با شب‌های دیگر در چیست؟ در کتب حدیثی شیعه، روایات بسیاری در خصوص لیلۃ القدر به ثبت و ضبط رسیده که تعدادی از آنها اختصاص به امتیازات و ویژگی‌های شب قدر دارد. این روایات از دوران حیات امامان معصوم (ع) شکل گرفته اند؛ و مشاهده می گردد که در دوره‌های بعدی جمع آوری و دسته بندی شده و در کتب جداگانه ای به نگارش درآمده اند. در بررسی سوابق مربوط به موضوع امتیازات و ویژگی‌های شب قدر در منابع شیعه تعداد بسیار کمی کتاب، مقاله و پایان نامه نگاشته شده است ولی بانگرش کلی و بصورت اجمالی در مورد تفاسیر آیات و روایات لیلۃ القدر و مباحثی از این دست به صورت جست و گریخته به کتابها، مقالات و پایان نامه‌هایی برمی خوریم که به این موضوع پرداخته اند و باید اشاره کرد که در کنار آن به کلیاتی ناچیز به روایات فریقین نیز؛ اشاره ای گذرا نموده اند و آن‌ها هم جنبه گزارش گونه دارد یعنی تحلیل صدوری و مباحث فقه الحدیثی درباره این گونه روایات به چشم نمی خورد و فقط برخی روایات انگشت شمار در آن دیده می شود و آن‌ها بصورت مستقل به این گونه مباحث (صدور و فقه الحدیث) نپرداخته اند. از این رو آنچه را که در این پژوهش دنبال می کنیم آن است که با تحلیل و بررسی متنی و سندی این روایات؛ فرضیه را مبنی بر اینکه بسیاری از این روایات ضعیف، مخدوش و دارای اشکالات اساسی در متن و سند می باشد مورد کنکاش و بررسی قرار دهیم. از جمله دیگر فرضیه‌های این تحقیق می توان گفت که: درباره شب قدر روایات‌های قابل توجهی

صالح دریایی فرد^۱

دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن وحدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مهدی مهریزی^{۲*}

دانشیار گروه علوم قرآن وحدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مژگان سرشار^۳

استادیار گروه علوم قرآن وحدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سید محمدعلی ایازی^۴

استادیار گروه علوم قرآن وحدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

در فرهنگ قرآن کریم و روایات معصومین (ع) شب قدر، شبی با عظمت در سال بوده؛ و امتیازات این شب بر شب‌های دیگر به اعتبار اموری است که در این شب مقدر می گردد. این مقاله به تحلیل صدوری (سندی) و فقه الحدیثی (متنی) روایت‌های مربوط به خصوصیات و ویژگی‌های شب قدر در منابع شیعه برآمده است. این روایات به دو دسته موضوعی تقسیم بندی می شوند؛ دسته اول خصوصیات هستند که مربوط به انجام امور حکیمانه معنوی توسط فرشتگان در این شب می شود؛ و در دسته دوم از روایات خصوصیات مطرح می شود که مربوط به امور مادی و ظاهری شب قدر است. روش پژوهش در این مقاله از نظر گردآوری، کتابخانه ای و از نظر تحلیلی، اجتهادی بوده است. در تحلیل صدوری، با توجه به اولویت قرن و ترتیب زمانی صدور روایات در مصادراولیه هریک، به اعتبارسنجی این روایات از حیث مصدرو سندی، از جهت اتصال سند و صحت راویان پرداخته شده که طی پژوهش به عمل آمده مشخص گردید که در نهایت از ۱۸ روایت، ۴ روایت صحیح السند، ۲ روایت موثق و بقیه ضعیف السند می باشند؛ و در تحلیل فقه الحدیثی شرح محتوایی روایات مدنظر قرار داده شده است و خلاصه مضمون این روایات این است که لیلۃ القدر شب نازل شدن قرآن کریم، شب تقدیر امور و برنامه ریزی سال و عهده داری آن توسط اهل بیت (ع)، شب نزول فرشتگان بر صاحب الامر و شب ایمن و سلامت بودن تا دمیدن سپیده بوده؛ و این شب در هر سال، تکرار شده، به عنوان آغاز و پایان سال و ابتدای خلقت بشمار آمده و دارای نشانه‌های انحصاری است.

واژگان کلیدی: لیلۃ القدر، امتیازات، ویژگی ها، روایات شیعه، تحلیل صدوری، تحلیل فقه الحدیثی

الف) گونه ها و مصادر روایات:

همانطور که اشاره کردیم، نقل اینگونه روایات در کتب معتبر دیگری نیز به چشم می خورد، که در این مجال علاوه بر شناخت و معرفی آنها با توجه به ترتیب زمانی حیات مؤلفان به صورت اجمالی، به چگونگی سند در این مصادر پرداخته شده است.

۱- انجام امور حکیمانه معنوی توسط فرشتگان

در این قسمت به روایاتی پرداخته می شود که دارای خصوصیتی مربوط به انجام امور حکیمانه معنوی توسط فرشتگان در شب قدر است که عبارتند از: شب قدر، شب نازل شدن قرآن کریم؛ شب تقدیر امور و برنامه ریزی سال؛ شب اختصاص به پیشوایان الهی؛ شب نزول فرشتگان بر صاحب الامر؛ شب ایمن و سلامت بودن تا دمیدن سپیده.

۱-۱ شب قدر، شب نازل شدن قرآن کریم

در روایاتی به نازل شدن کتب آسمانی در ماه رمضان بخصوص نازل شدن قرآن کریم در شب قدر، مطرح می گردد، بطوری که به نزول هریک از آن کتب در شب های ماه مبارک رمضان نیز اشاره شده است.

۱. عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ ... وَ أَنْزَلَ الْقُرْآنَ فِي ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ (۱). پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: صُحُفَ إِبْرَاهِيمَ، در شب اول ماه رمضان نازل شد. تورات، شش [شب] از ماه رمضان گذشته، نازل شد. انجیل، سیزده شب از ماه رمضان گذشته، نازل شد. زبور، هیجده [شب] از ماه رمضان گذشته، نازل شد. و قرآن، در بیست و سوم ماه رمضان، نازل گشت."

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: نَزَلَتْ التَّوْرَةُ، ... وَ نَزَلَ الْقُرْآنُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱). امام صادق علیه السلام فرمود: تورات، در شش [شب] از ماه رمضان گذشته، نازل شد. انجیل، در دوازده شب از ماه رمضان گذشته، نازل شد. زبور، در هجده شب از ماه رمضان گذشته، فرود آمد، و قرآن، در شب قدر نازل گشت."

۱-۲ شب قدر، شب تقدیر امور و برنامه ریزی سال

در روایات تقدیر امور و برنامه ریزی سال، بر این تأکید شده است که تقدیر امور مردم و سامان بخشی اوضاع و احوال آنان در طول سال، در این شب رقم زده می شود؛ و سرنوشت یکساله بشر از قبیل حیات و مرگ، رزق و روزی، سعادت و شقاوت و حوادثی که در طول سال رخ می دهد، رقم خورده و مقدر می گردد.

۳. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ (فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى):

وجود دارد که از اهمیت خاصی از نظر محتوا برخوردارند، اماعده ای از علما آن ها را از نظر صدور نادیده گرفته اند و آن ها را ضعیف شمرده اند. این روایات دارای مفاهیمی همچون خصوصیات و ویژگی های شب قدر در کتب شیعه است که در متن و سند نیاز به تحلیل و بررسی دارند. اگرچه در باب بررسی و تحلیل امتیازات شب قدر در روایات شیعه چالش هایی از نظر شباهت و اختلاف در میان روایات وارد شده است، اما روایات ضعیف یا دارای منابع مخدوش نیز دیده می شود ولی می توان اطمینان به صدور مضمون کلی آنها را ادعا کرد و می توانیم اشکالاتی را که بر آنها وارد است را مورد بررسی و تحلیل متنی و سندی قرار دهیم. در این ارتباط، برای دست یابی به روایات صحیح و تشخیص روایات معتبر و انتخاب آنها مهمترین اصل، بررسی سندی، تشخیص وثاقت و اعتبار سلسله روایان هر روایت است. این پژوهش در این راستا می کوشد، نخست، جهت اعتبار بخشیدن به این روایات، به جستجو و تتبع در مصادر معتبر شیعی پرداخته، سپس به میزان اعتبار و اسناد اینگونه روایات بپردازد و آنگاه بتواند در فهم درست آنها نقشی فزاینده داشته باشد.

گزارش اجمالی از روایات مذکور:

روایات موجود در کتب حدیثی، دارای سند متفاوت بوده؛ به گونه ای که در سند، گاه تعداد روایان زیاد و گاه تعداد آنها کم است. به همین منظور برخی از روایات در شمار روایات ضعیف قرار گرفته است، لذا در این خصوص تصمیم بر این شد که برای یافتن سند و روایان این روایات ابتدا در درجه اول به برخی از منابع به عنوان منابع دسته اولی وهم عرض مراجعه شود؛ همچون کتاب بصائر الدرجات، کافی و سپس به برخی دیگر از آنها که به عنوان منابع متأخر و دسته دومی تلقی می گردد؛ شامل کتابهایی همچون الوافی، بحار الانوار، وسائل الشیعه مراجعه نمائیم.

از مجموع یکصد و پنجاه و هشت روایت با موضوع لیلۃ القدر در منابع شیعه، چهل و هفت روایت در خصوص ویژگی (خصوصیت) های شب قدر در روایات مطرح گردیده است که در این پژوهش هیجده روایت مورد بررسی قرار گرفته است؛ که از این تعداد، سند هفده روایت به عنوان مصدر اول فقط در کتاب معتبر کافی یافت شده و سند یک روایت دیگر در کتاب بصائر الدرجات قابل مشاهده است، که این روایات به دودسته موضوعی تقسیم بندی می گردند؛ دسته اول خصوصیتی هستند که مربوط به انجام امور حکیمانه معنوی توسط فرشتگان در این شب می شود، که عبارتند از: نازل شدن قرآن کریم، وجود تقدیر امور و برنامه ریزی سال، اختصاص به پیشوایان، نزول فرشتگان بر صاحب الامر، ایمن و سلامت بودن تا دمیدن سپیده؛ و در دسته دوم از روایات خصوصیتی مطرح می شود مربوط به امور مادی و ظاهری شب قدر، که عبارتند از: وجود (تکرار) شب قدر در هر سال، ابتدای خلقت با شب قدر، نشانه های شب قدر و آغاز و پایان سال.

این آیه را خواند: «و اگر به راستی هر درختی در زمین است قلم شود و دریائی مداد گردد و هفت دریای دیگر بدان پیوند کلمات خدا تمام نشود براستی خدا عزیز و حکیم است».

۳-۱- شب قدر و اختصاص آن به پیشوایان الهی (ع)

این روایات بیانگر رابطه ای عمیق میان شب قدر و اهل بیت (ع) است، بطوری که در روایاتی از رسول اکرم (ص) و هم چنین از ائمه اطهار (ع) بر این نکته بخصوص در ذیل سوره قدر اشاره شده، که جانشینان بعد از پیامبر (ص) دوازده امام معصوم (ع) می باشند که از طرف خداوند منصوب گردیده اند و نیز در برخی از این روایات نام های مبارک ائمه اطهار (ع) آمده است؛ و همچنین به مباحثی همچون عهده داری برنامه سال در شب قدر توسط والیان امر الهی (اهل بیت (ع))، نزول ولایت امیرالمومنین علی (ع) و امامان (ع) در این شب پرداخته شده است.

۷. مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعًا عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي عَ أَنَّ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص "أَمِنُوا بَلِيلَةَ الْقَدْرِ؛ إِنَّهَا تَكُونُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ لَوْلَاهُ الْأَحَدَ عَشَرَ مِنْ بَعْدِي (۱). پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به شب قدر ایمان بیاورید. آن شب، پس از من، از آن علی بن ابی طالب و فرزندان یازده گانه اوست."

۳-۱-۱ عهده داری برنامه سال در شب قدر توسط والیان امر الهی (اهل بیت (ع))

در این روایت، به جانشینان بعد از پیامبر (ص) یعنی همان دوازده امام معصوم (ع) که از طرف خداوند منصوب گردیده اند، اشاره شده است.

۸. مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعًا عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي عَ لِنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِبَنِي عَبَّاسٍ: «إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ (۱)، ... امام جواد علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام به ابن عباس فرمود: ... «شب قدر، در هر سال هست. در آن شب، برنامه سال، فرود می آید و پس از پیامبر خدا، آن برنامه را عهده دارانی است». ابن عباس گفت: آنان کیان اند؟ [امیر مؤمنان علیه السلام] فرمود: «من و یازده نفر از نسل من، پیشوایانی محدث [که از عالم غیب با آنان سخن گفته می شود]».

۳-۱-۲ نزول ولایت امیرالمومنین علی (ع) و امامان (ع) در شب قدر در این روایات نام های مبارک ائمه اطهار (ع) آمده است و به علم و دانش آنها پرداخته شده است.

۹. مُحَمَّدٌ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدَ بْنَ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ جَمِيعًا عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي عَ وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ عَ قَالَ يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ، خَاصًّا بِسُورَةِ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» تَفَلَّجُوا، ... امام باقر علیه السلام فرمود: ای گروه شیعه! با سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» مخلصانه و مجادله کنید تا چیره شوید. به خدا سوگند که این سوره، پس از پیامبر خدا، حجت خدای

وَ سَلَّعَ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا»... امام باقر علیه السلام (درباره آیه «در آن شب، فرشتگان و روح، فرود می آیند») فرمود: ... در آن شب، فرشتگان و نگارندگان [اعمال]، به آسمان دنیا فرود می آیند و کارهایی را که به بندگان در طول سال خواهد رسید، می نویسند و کار، بسته به فرمان خدا و خواست اوست. آنچه را بخواهد، جلو، و آنچه را بخواهد، عقب می اندازد، و آنچه را بخواهد، محو یا ثابت می کند؛ و ام الكتاب (کتاب اصلی) پیش اوست (۱).

۴. وَ بَهَذَا الْإِسْنَادِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ، عَنْ الْفَضِيلِ، وَ زُرَّارَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ حُمْرَانَ: أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ». ... يَقْدَرُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ فِي تِلْكَ السَّنَةِ إِلَى مِثْلِهَا... امام باقر علیه السلام فرمود: در شب قدر، هر چه در آن سال تا شب قدر آینده (از: خیر و شر یا اطاعت و معصیت، یا مولود و مرگ و یا روزی) خواهد شد، مقدر می گردد. پس، آنچه در آن شب، مقدر و حتمی گردد، از امور قطعی خواهد بود و خواست خداوند، همان است...

۵. أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمْرٍاءَ الْمَسْمَعِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُوصِي وَ لَدَهُ إِذَا دَخَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ: فَاجْهَدُوا أَنْفُسَكُمْ ... الْكَافِي (درباره مسمعی) (۱): وی شنید که امام صادق علیه السلام هرگاه ماه رمضان وارد می شد، به فرزندانش چنین سفارش می کرد: «خود را به تلاش افکنید، که در این ماه، روزیها تقسیم می شوند و اجلها نوشته می شوند، و در این ماه، میهمانان خدا که به زیارت خانه اش می روند، نوشته (معین) می شوند و در آن، شبی است که عمل در آن بهتر از عمل در هزار ماه است».

۶. وَ بَهَذَا الْإِسْنَادِ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدَ بْنَ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ جَمِيعًا عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي عَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ عَ قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ - فِيهَا يَقْرَأُ كُلُّ امْرِئٍ حَكِيمٍ ... ثُمَّ قَرَأَ وَ لَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَ الْبَحْرُ يَمْدَةٌ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةَ أَبْحُرٍ مَا نَقَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۱، ۲) امام باقر (ع) فرمود: خدای عز و جل در باره شب قدر فرماید: «در این شب ممتاز شود هر امر محکم و بجائی» می فرماید: نازل می شود در آن هر امر حکیمی، امر محکم و بر جا دو تا نیست و تنها همان یکی است، هر که حکم بی اختلاف کند حکم او حکم خدا عز و جل است و هر که حکمی دهد که معرض اختلاف باشد و به عقیده خود خود را مصیب و بر حق داند به حکم طاغوت حکم کرده باشد. به راستی در شب قدر بیان حکم همه امور سالیانه به ولی امر نازل می شود و به او ابلاغ می شود که در باره خود چنین دستور دارد و در باره مردم چنان و بعلاوه از این برای ولی امر (امام معصوم زمان) در هر روز علم مخصوص و مکنون و عجیب خدای عز و جل پدید می گردد به مانند همانی که در شب قدر نازل می شود، سپس

و گریه تلاوت می کرد جز اینکه می گفتند: برای این سوره چه سخت دلت نازک است؟ رسول خدا (ص) می فرمود: برای آن چیزی است که به چشم خود دیده و به دل خود فهمیده ام و برای آن است که دل این مرد (علی ع) بعد از من خواهد دریافت، می گفتند: شما چه دیدید و او چه خواهد دید؟ فرمود: روی خاک برای آنها نقش می کرد «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» فرمود: پیغمبر می فرمود: پس از فرموده خدای عز و جل: «هر امری چیزی بجا می ماند؟ می گفتند: نه، می فرمود: می دانید به که هر امری را نازل می کنند؟ می گفتند: یا رسول الله به شما، می فرمود: آری درست است. می فرمود: ولی آیا شب قدر بعد از من هست؟ می گفتند: آری، فرمود: رسول خدا (ص) می فرمود: آیا این امر در آن شب نازل می شود؟ می گفتند: آری، می فرمود: بر چه کسی؟ می گفتند: ما نمی دانیم، سر مرا در آغوش می گرفت و می فرمود: اگر نمی دانید، بدانید: آن کس بعد از من این مرد است، فرمود: به راستی مطلب این است که آن دو نفر این شب را بعد از رسول خدا (ص) از شدت هراسی که به دل آنها می افتاد می شناختند.

۱۲. مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي ع قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ لَمَّا تَرَوْنِ مِنْ بَعْتِهِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلشَّقَاءِ - عَلَى أَهْلِ الضَّلَالَةِ مِنْ أَجْنَادِ الشَّيَاطِينِ وَ أَرْوَاجِهِمْ (رواههم) أَكْثَرَ مِمَّا تَرَوْنَ خَلِيفَةَ اللَّهِ... هُوَ عَلَيْهَا وَ أَيْمُ اللَّهِ... (۱) امام محمد تقی علیه السلام فرمود: آنچه از لشکریان و همسران [و ارواح] شیاطین را که خدای عز و جل برای شقاوت بر گمراهان گماشته می بینید، بیشتر از فرشتگانی باشند که خلیفه خدایند و آنها را برای عدالت و صواب فرستاده است عرض شد: ای ابا جعفر! چگونه می شود چیزی از ملائکه بیشتر باشد؟ فرمود: چنانچه خدای عز و جل خواسته است، گفته شد: ای ابا جعفر! چگونه می شود چیزی از ملائکه بیشتر باشد؟ فرمود: چنانچه خدای عز و جل خواسته است، مرد سائل گفت: ای ابا جعفر! من اگر این حدیث را ببعضی از شیعیان گویم، انکار میکنند، فرمود: چگونه انکار میکنند؟ عرض کرد میگویند: فرشتگان علیه السلام از شیاطین بیشترند. فرمود: راست گفتم ولی آنچه میگویم خوب بفهم: در هر روز و هر شب تمام جن و شیاطین، پیشوایان گمراهی را زیارت میکنند و بشماره ایشان فرشتگان هم پیشوای هدایت را زیارت می کنند، تا آنکه شب قدر فرا رسد و فرشتگان در آن شب بسوی ولی امر (امام زمان) فرود آیند، خدای عز و جل - بشماره آنها از شیاطین خلق کند - یا فرمود: آماده کند - سپس ایشان رئیس گمراهی را زیارت کنند و برایش دروغ پردازی کنند، تا چون صبح شود، او هم بگوید چنین و چنان دیدم، اگر او از صاحب الامر در این باره بپرسد، به او می فرماید که: شیطانی را دیدی که بتو چنین و چنان خبر داد تا آنجا که آن موضوع را بخوبی برایش شرح دهد و او را از گمراهی آگاه سازد....

۱-۵ شب قدر، شبی ایمن و سلامت تا دمیدن سپیده

متعال بر مردم است و این سوره، سرور آیین شما و نهایت دانش ماست. ای گروه شیعه! با سوره «حم* و الْكُتُبِ الْمُبِينِ* إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبْرَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ» مخاصمه کنید، که این آیات، ویژه پیشوایان الهی پس از پیامبر خداست.

۱۰. مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي ع قَالَ قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... فَهَلْ يَعْلَمُ الْأَوْصِيَاءُ مَا لَا يَعْلَمُ الْأَنْبِيَاءُ؟ ... وَ إِنَّمَا تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بِالْحُكْمِ الَّذِي يَحْكُمُ بِهِ بَيْنَ الْعِبَادِ... فَيُنَزِّلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَيْ أَنْ يُطَلِّعَ الْأَوْصِيَاءَ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ... (۱) امام جواد علیه السلام فرمود: مردی به امام باقر علیه السلام گفت: آیا اوصیا (جانشینان پیامبران) چیزی می دانند که پیامبران ندانند؟ فرمود: «نه؛ چگونه وصی، چیزی جز آنچه به او وصایت (آموخته) شده است، بداند؟». سؤال کننده پرسید: آیا می توانیم بگوئیم یکی از اوصیا چیزی را می داند که دیگری نمی داند؟ فرمود: «نه؛ هیچ پیامبری از دنیا نرفته، مگر آن که دانش او در دل وصی اوست. و فرشتگان و روح در شب قدر، حکمی را فرود می آورند که با آن، میان بندگان داوری کند». سؤال کننده پرسید: آیا آن حکم را نمی دانستند؟ فرمود: «چرا می دانستند؛ لیکن آنان هیچ یک از آنها را نمی توانند اجرا کنند، تا آن که در شب های قدر به آنان دستور داده شود که تا سال بعد چگونه عمل کنند». سؤال کننده گفت: ای ابو جعفر! من حق انکار این را ندارم؟ فرمود: «هر کس انکارش کند، از ما نیست». سؤال کننده گفت: ای ابو جعفر! به نظر شما، آیا در شب های قدر، چیزی بر پیامبر صلی الله علیه و آله گفته می شد که پیش تر آن را نمی دانست؟ فرمود: «بر تو روا نیست که از چنین چیزی بپرسی. اما درباره دانش آنچه بوده و خواهد شد. هیچ پیامبری و وصی ای نمی میرد، مگر آن که جانشین پس از او آن را می داند. و اما این دانشی که از آن می پرسی: خداوند متعال نخواست است، مگر این که خود جانشینان را از آن آگاه سازد»...

۱-۴ شب قدر و نزول فرشتگان بر صاحب الامر

در برخی از روایات آمده است که خدای سبحان در واقع، کامل ترین و شایسته ترین و برترین انسان را که همان صاحب الامر است، از برنامه ریزی و حکم خود، آگاه می سازد. البته این نکته، هر چند که با صراحت به امام معصوم نسبت داده نشده؛ لیکن جمع بندی مضمون همه اینگونه روایات است که در این باب آمده است.

۱۱. مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ عَلِيٌّ كَثِيرًا مَا يَقُولُ - مَا اجْتَمَعَ التَّيْمِيُّ وَ الْعَدَوِيُّ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ هُوَ يَقْرَأُ - إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بَخْشَعٍ وَ بَكَاءٍ فَيَقُولَانِ ... فَإِنَّ كَانَا لَيَعْرِفَانِ تِلْكَ اللَّيْلَةَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ شِدَّةِ مَا يَدَاخِلُهُمَا مِنَ الرَّعْبِ (۱). امام صادق (ع) فرمود: علی (ع) را شیوه بود که بسیار می فرمود: هیچ گاه تئیمی و عدوی (ابو بکر و عمر) خدمت رسول خدا (ص) نبودند و آن حضرت انا انزلناه را با خشوع

نقل از داود بن فرقد، از یعقوب: شنیدم که مردی از امام صادق علیه السلام درباره شب قدر می پرسید که: مرا خبر بده، آیا شب قدر بوده است، یا هر سال خواهد بود؟ امام صادق علیه السلام به او فرمود:

«اگر شب قدر برداشته شود، قرآن هم برداشته می شود».

۱۵. علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن عمر بن اذينة عن الفضيل و زرارة و محمد بن مسلم عن حمران انه سأل ابا جعفر عن قول الله عز و جل انا انزلناه في ليلة مباركة (الدخان/۳) قال نعم ليلة القدر و هي في كل سنة في شهر رمضان في العشر الاواخر فلم ينزل القرآن الا في ليلة القدر... (۱) حمران درباره فرموده خدای عزوجل " انا انزلناه في ليلة مباركة " از امام صادق (ع) سوال کرد امام صادق (ع) فرمود: بله ليلة القدر است و آن در هر سال در ماه رمضان درده شب آخر است. قرآن نازل نشد مگر در شب قدر.

۲-۲ ابتدای خلقت با شب قدر

۱۶. مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي قَالَ لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ أَوَّلَ مَا خَلَقَ الدُّنْيَا...^۲ امام جواد علیه السلام فرمود: خداوند (که یادش بزرگ باد) نخستین دورانی که دنیا را آفرید، شب قدر را هم آفرید. نیز در آن شب، اولین پیامبر و اولین جانشین پیامبر را آفرید و مقدر کرد که در هر سال، شبی باشد که در آن شب، تفسیر کارها را تا سال آینده فرود آورد...

۲-۳ نشانه‌های شب قدر

در روایتی به برخی از نشانه‌ها و ویژگی‌های ظاهری شب قدر اشاره شده است که شامل بوی خوش، گرم شدن شب، وزش باد خنک، تغییر در نحوه طلوع خورشید و درخشش ستارگان است.

۱۷. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَّالَةَ بِنِ أَيْوَبَ عَنْ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ عَلَامَةِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ... الكافي (به نقل از محمد بن مسلم) (۱): از او (امام باقر یا امام صادق علیهما السلام) درباره نشانه شب قدر پرسیدم فرمود: «از نشانه آن، این است که بوی آن خوش است. اگر در فصل سرما باشد، آن شب گرم می شود و اگر در فصل گرما باشد، خنک و خوب و خوش می شود...».

۲-۴ آغاز و پایان سال، در شب قدر^۲

در روایاتی شب قدر را آغاز سال می دانند که به اعتبار سال برنامه ریزی امور مردم و سامان بخشیدن به وضع آنان و آنچه پیش خواهد آمد، صادر شده اند. با همین اعتبار، شب قدر، در روایات

^۲ آغاز بودن، ظاهراً به اعتبار «مقدر شدن کارها» است، به این معنا که در شب قدر، کارهای آن سال، مقدر می شود. پایان بودن هم به اعتبار «مجاور بودن» است؛ چون آنچه در سال گذشته مقدر شده است، به شب قدر این سال منتهی می شود (ر. ک: مجلسی، محمدتقی، روضة المتقين، ج ۳، ص ۴۳۷).

تأمل در این روایت، نشان می دهند که عبارت "سلام می حتی مطلع الفجر؛ آن شب تا دمیدن سپیده، ایمن است" در روایت، مفهوم تداوم دارد و ایمن و سلامتی بودن در این شب، یعنی اینکه مومنان از شر شیطان و دیگر آفات ظاهری و باطنی در امان هستند؛ و گفته شده که مراد از آن این است که فرشتگان بر مومنان گذر کرده و بر آنان سلام می کنند.

۱۳. مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَانَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» صَدَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، أَنْزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ... (۱) امام جواد علیه السلام فرمود: امام صادق علیه السلام که پدرش [امام] سجاد علیه السلام می گفت: «ما آن را در شب قدر نازل کردیم». خداوند، راست فرمود. خداوند، این آیه را در شب قدر فرو فرستاد که: «تو چه دانی که شب قدر چیست؟». پیامبر خدا عرض کرد: نمی دانم. خداوند فرمود: «شب قدر، بهتر از هزار ماه است» که در آنها شب قدر نباشد. به پیامبر خدا فرمود: آیا می دانی که چرا آن شب، بهتر از هزار شب است؟ عرض کرد: نه. فرمود: برای آنکه «در آن شب، فرشتگان و "روح" به فرمان پروردگارشان برای هر کاری فرود می آیند» و وقتی خداوند به چیزی اجازه دهد، به آن راضی است. «آن شب تا دمیدن سپیده، ایمن است». خداوند می فرماید: ای محمد! فرشتگان من و "روح" من، از اولین لحظه ای که فرود می آیند، تا دمیدن سپیده، سلام مرا به تو می رسانند...».

۲-۴ امور مادی و ظاهری شب قدر

در این قسمت از روایات خصوصاتی مطرح می شود مربوط به امور مادی و ظاهری شب قدر، که عبارتند از: وجود (تکرار) شب قدر در هر سال، ابتدای خلقت با شب قدر، نشانه‌های شب قدر و آغاز و پایان سال در شب قدر.

۲-۱ وجود (تکرار) شب قدر در هر سال

با توجه به این روایات، درمی یابیم که شب قدر، همیشگی و قابل تکرار در هر سال است و از آغاز آفرینش انسان بوده و تا پایان جهان و وجود انسان در آن نیز تداوم خواهد داشت؛ بطوری که همه امت‌ها و اقوام گذشته و حال و آینده را در برمی گیرد و شماری از این روایات، استمرار این شب را از آغاز ابتدای خلقت و همراه انسان تا پایان عمر جهان، تأیید می کنند.

۱۴. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرَّقَدَ قَالَ حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ قَالَ سَمِعْتُ رَجُلًا يُسَالُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، فَقَالَ: أَخْبَرَنِي عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ... (۱) الكافي (به

^۲ کلینی، محمد بن یعقوب، الكافي، ج ۱، ص ۲۵۰، ح ۷، حسینی استرآبادی، سید شرف الدین، تأویل الآيات الظاهرة، ج ۲، ص ۸۲۵، ح ۱۴؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۷۳، ح ۶۳. انظر تمام الحديث في المصدر.

۲۹۰ قمری مقارن با دوران غیبت صغری است. به گفته شیخ طوسی، وی از اصحاب امام حسن عسکری (ع) بود. اصلی ترین شاهد بر این مدعا مجموعه پرسش‌هایی است که وی از طریق نامه از آن حضرت پرسیده بود. این نامه‌نگاری‌ها می‌تواند نشانه‌ای بر مقام و کالت و نمایندگی او از سوی امام نزد شیعیان باشد. در منابع حدیثی گاهی از او با لقب مموله نیز یاد شده است. این لقب در برخی از منابع به شکل مموله آمده است. صفت مموله در برخی از منابع به مجموعه سوالاتی که وی از امام حسن عسکری (ع) پرسیده بود، اطلاق شده است. کتاب *بصائر الدرجات* که مجموعه‌ای حدیثی با موضوع فضایل و ویژگی‌ها و دلایل امامان شیعه است، منسوب به اوست؛ و کتابش از کتاب‌های معتبر، کهن و مورد اعتماد شیعه است و از لحاظ سندی کامل تروبا توجه به اضافه شدن حلقه‌های واسط راویان، دارای حجم اسناد بیشتری است هرچند که اندک مواردی از سند مرسل در آن یافت می‌گردد. اما باید بدین اشاره نمود که کتاب *بصائر الدرجات* او یکی از بحث برانگیزترین مسائلی است که در مورد صفاریان می‌گردد. بطوریکه انصاری در مقاله اش می‌نویسد که صفار کتابی بدین نام نداشته و کتابی که اکنون با عنوان *بصائر الدرجات* نوشته صفار دردسترس ما قرار دارد، درحقیقت همان کتاب *بصائر الدرجات* سعد بن عبدالله اشعری است. وی در مقاله اش چنین می‌نگارد: "کارتدوین *بصائر الدرجات* کنونی دراصل متعلق به محمد بن یحیی العطار، دیگر محدث برجسته این دوران است که دقیقاً معاصر با اشعری بوده است. وی متن کنونی را براساس متن *بصائر الدرجات* سعد اشعری و با استفاده از شیوه "استخراج" تنظیم کرد و واحدی تازه هم بدان افزود و آن را به دلیل منبع اصلی و الهام بخش آن *بصائر الدرجات* خواند؛ که در حقیقت می‌توان آن را "مستخرج *بصائر الدرجات*" نامید، اما به دلیل آن که احادیث دیگری هم در متن افزوده شده بود و نیز به دلیل آن که اصولاً شیوه "استخراج" بدون آن که نامی از آن در میان محدثان امامیه برده شود، شیوه ای معمول برای تدوین کتاب‌های حدیثی در میان امامیه بود. متن ساخته شده دوم هم چنان *بصائر الدرجات* خوانده شده که به دلیل متن اولیه سعد اشعری بود." ^۴ ادعای ایشان قابل نقد است؛ اولاً این ادعا با مشهور مخالفت صریح دارد و طبق نقلی که از رجالیون آوردیم همه آنها صفار را صاحب *بصائر الدرجات* می‌دانند. تنها اشکالی که وجود داشت، عدم نقل ابن ولید بوده، اما تنها از عدم نقل ابن ولید نمی‌توان نتیجه گرفت که مؤلف *بصائر الدرجات*، صفار نبوده است. بسیاری از رجالیان و محدثان، صفار را صاحب کتاب *بصائر الدرجات* می‌دانند (۲). علاوه بر شهرت انتساب، دلیلی دیگر وجود دارد که قابل اغماض نیست، استدلال ما این است که با بررسی آثار شیخ صدوق، مشاهده کنیم که ایشان از کتاب *بصائر الدرجات* صفار، بیش از ۲۱ حدیث را نقل کرده است که سند

پایان سال نیز به شمار می‌رود؛ یعنی پایان سال برنامه‌ریزی شده‌ای که سپری شده و اول سال برنامه‌ریزی شده جدید است.
 ۱۸. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ رَفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع "لَيْلَةُ الْقَدْرِ هِيَ أَوَّلُ السَّنَةِ، وَ هِيَ آخِرُهَا" (۱). امام صادق علیه السلام فرمود: شب قدر، آغاز سال و پایان آن است."

(ب) تحلیل صدور روایات

تحلیل صدور روایات به معنای اعتبارسنجی روایت است که مبتنی بر تحقق سه امر مهم است. اول اعتبار منبع، دوم اعتبار سند و سوم اعتبار روات (راویان). در این قسمت ابتدا منابع روایات را شناسایی کرده و با شاخصه‌های اعتبارسنجی آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم و منابع معتبر و غیر معتبر را به تفکیک مشخص می‌نماییم و سپس به بررسی سند از جهت اتصال و عدم اتصال پرداخته و نیز روات (راویان) را از جهت وثاقت بر مبنای نظر قدمای علم رجال در کتب رجالی شیعه مورد بررسی قرار می‌دهیم و از این طریق اسناد روایات را ارزیابی می‌نماییم. لازم به ذکر است که روش ارزیابی ما براساس روش مشهور که سلسله سند را بررسی؛ و اتصال سند را مشخص می‌کند، می‌باشد که در مبنای و نظرات آیت الله خویی و شاگردانشان در روزگار ما متمرکز است.

۱- بررسی منابع (مصادر) معتبر:

اعتبار منبع روایت مبتنی بر تحقق سه امر است اول اعتبار نویسنده کتاب، دوم اعتبار انتساب کتاب به نویسنده و سوم اطمینان از سلامت کتاب تاکنون. لذا منابعی که هر سه مؤلفه درباره آنان صدق کند را معتبر و آنهایی که از یک تا سه مؤلفه را جمعاً نداشته باشند غیر معتبر می‌نامیم و عنوان غیر معتبر نیز خود شامل دو بحث منابع مشکوک (منابعی که یک یا دو مؤلفه را ندارند) و مردود (منابعی که هر سه مؤلفه را ندارند) می‌شود. در این قسمت منابع و مصادر معتبری که از آنها در این پژوهش نقل روایت نموده ایم را تبیین می‌نماییم. لازم به ذکر است که درباره کتابها و مصادر به جهت اتفاق نظر بر اعتبارشان نیاز به اعتبارسنجی وجود ندارد، براساس آنچه در طبقه بندی کتاب آشنایی با تاریخ و منابع حدیث (۳) آمده و فقط درباره کتاب *بصائر الدرجات* که دارای اختلاف نظر است؛ توضیحات مختصری خواهیم داد:

۱. *بصائر الدرجات*، ابو جعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار قُمی (م ۲۹۰ ق): ابو جعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار قُمی، از شخصیت‌های بزرگ قم در قرن سوم هجری و از صاحب نظران در فن حدیث و فقه بوده؛ گفته شده که صفار رسالات متعدد حدیثی داشته که به شکل مستقل به ما نرسیده است. وی معروف به اعرج (به معنای لنگ)، از موالیان ایرانی تبار عیسی بن موسی بن طلحه اشعری بود و از همین رو نسبت «اشعری» داشت. تاریخ ولادت وی معلوم نیست. سال وفاتش

^۴ رجوع کنید: انصاری، حسن، مقاله: "تبارشناسی کتاب *بصائر الدرجات* و هویت نویسنده آن"، مجله کتاب ماه دین، ۱۳۸۴، ش ۱۴۴.

۲-۶ إسْحَاقُ بْنُ عَمَّارِ الصَّرِيفِيِّ: وی در طبقه امام صادق و امام کاظم (ع) قرار دارد. نجاشی، شیخ طوسی و ابن داود او را موثق دانسته اند (۴)؛ و شیخ طوسی اصل او را مورد اعتماد دانسته؛ اما مذهبش فطحی است و امامی، مذهبش هم به ظاهر صحیح بوده (۴)؛ علامه حلی قائل به توقف در احادیث مفرد اوست. او دارای القاب الکوفی، الصیرفی و الساباطی است (۱۱).

۲-۷ الْحَسَنُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ: او امامی، در کتب رجالی بسیار ضعیف و کتاب "انا انزلناه" مشهور به الفاظ مضطرب و در نزد ابن غضائری کتابش دارای الفاظ فاسد و جعل. در برخی کتب رجالی گفته اند که او از امام جواد (ع) حدیث نقل می کند؛ در حالی که اکثر کتب حدیث، گفته اند که از امام باقر (ع) نقل می کند. شیخ در رجال، یک بار او را در زمره اصحاب امام جواد (ع) نام برده و یک بار در باب "من لم" ذکر کرده است. این مطالب نشان از آن دارد که دو نفر به این اسم وجود داشته؛ هرچند هر دو را ضعیف دانسته اند و لازم به ذکر است که مرحوم کلینی در اول کافی می گوید: روایات و کتابی غیر از کتاب الحسن بن العباس در مورد شأن "سوره قدر" نیست (۴). دارای القاب الرازی و الحریشی.

۲-۸ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ فَضَالِ الثِّمَمِيِّ (ابن فَضَال): او از امام رضا (ع) حدیث نقل کرده و در نزد ایشان صاحب منزلت بوده است (۶). نجاشی، شیخ طوسی، کشی، ابن داود و علامه حلی او را موثق دانسته اند (۴). وی از اصحاب اجماع است. اگرچه بر پایه گزارش نجاشی، وی در واپسین دقایق عمرش از باور به امامت عبدالله افطح روی گردانده است، ولی در تمام دوران فعالیت حدیثی اش، به عنوان یک راوی فطحی پرکار شناخته می شود. نجاشی او را در شماره ۷۲ از رجال خویش، فراوان ستوده و شیخ نیز او را توثیق کرده است (۶). ۲-۹ الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدِ الْهَوَازِيِّ: او ثقة (۶)، امامی، مذهبش هم به ظاهر صحیح بوده و ثقة جلیل القدر است (۸). و از اصحاب امام جواد و امام هادی (ع) است. برقی او را از اصحاب امام رضا (ع) نیز شمرده است. اصل او کوفی است اما با برادرش به اهواز و از آنجا به قم نزد حسن بن ابان رفت و همانجا وفات نمود (۱۲).

۲-۱۰ الْمَسْمَعِيُّ: مهمل ۲-۱۱ حَفْصُ بْنُ غِيَاثِ النَّخَعِيِّ: او عامی و ثقة بوده (۷)؛ و شیخ طوسی، ابن داود و علامه حلی کتاب او را مورد اعتماد خود خوانده اند و در طبقه امام باقر، امام صادق و امام کاظم (ع) قرار گرفته و دارای القاب القاضی، الکوفی، النخعی و کوفی است (۷).

۲-۱۲ حُمُرَانَ بْنِ أَعْيَنَ الشَّيْبَانِيِّ: از اصحاب امام باقر و صادق (ع) می باشد و اهل کوفه و لقبش شیبانی، کنیه اش ابوالحسن و ابوالحمزة است (۹).

۲-۱۳ داود بن فرقد الاسدی: او امامی مذهب، ثقة و از اصحاب امام صادق و امام کاظم (ع) است (۴). در کتب از او با لقب های الاسدی، النصری و الکوفی نام برده شده است.

۲-۱۴ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى النَّخَاسِ: او امامی، مذهبش هم به ظاهر صحیح بوده؛ و نجاشی، شیخ طوسی، ابن داود و علامه حلی او را

آنها با سند بصائر الدرجات یکسان است. نکته ای دیگر که از این نقل ها برمی آید، اعتماد ابن ولید به کتاب بصائر است. لذا این مطلب که بعضی از گویندگان آورده اند که نقل نشدن بصائر توسط ابن ولید به دلیل مضامین غلو آمیز بصائر بوده که ابن ولید به دلیل دقت در نقل نپذیرفته، با دیدن این اسناد، ابطال می شود. اعتماد صدوق بر محتوای بصائر نیز قرینه ای بر مدعای ما است که دقت در آن ضروری است. کلینی نیز در کافی از آن روایت کرده و علامه مجلسی در بحار الانوار و شیخ حرعاملی در وسائل الشیعه، ضمن معتبر شمردن این کتاب، آن را در شمار مصادر و منابع خود آورده اند. نتیجه اینکه، همه روایات این کتاب فارغ از نوع سند، دارای اسناد هستند.

۲- بررسی و ارزیابی راویان

برای بررسی راویان در این بخش از نوشتار، تعداد ۳۹ راوی با حذف مکررات در سلسله اسناد مورد ارزیابی قرار گرفته است، که به بررسی آنها می پردازیم.

۲-۱ ابراهیم بن هاشم القمی (پدر علی بن ابراهیم): او اولین فردی است که حدیث کوفیان را در قم نقل کرد (۴). این راوی اگرچه در رجال نجاشی، فهرست و رجال شیخ طوسی شماره شده، ولی در هیچ کدام از آن نگاهشته ها به وثاقت یا ضعف او اشاره نشده است (۵-۷)؛ قولش مقبول است (۸). وی در طبقه امام رضا (ع) قرار دارد.

۲-۲ ابوبصیر الاسدی (یحیی بن ابی القاسم): او امامی، ثقة جلیل، از اصحاب اجماع بوده؛ در مورد وی سه نوع توصیف مشاهده می گردد برخی او را ممدوح در روایت (۹)، برخی مذموم و برخی او را کسی می دانند که آموزه های صحیح و سقیم را باهم در آمیخته. از آنجایی که از اصحاب امام صادق بوده احتمال تقیه درباره او وجود دارد. در نهایت در بین فهرست ضعاف آقای بهبودی نبود لذا موثق است. او از امام باقر، امام صادق و امام کاظم (ع) نقل حدیث کرده است. و القاب او الاسدی مولا هم، الاسدی و کوفی و کنیه اش ابوبصیر و ابومحمد است (۹)؛ نجاشی و ابن داود او را موثق دانسته اند؛ و علامه حلی طریق او را ضعیف می داند (۴).

۲-۳ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْقَمِيِّ: او ثقة، حدیثش صحیح و سالم از آسیب هاست، امامی، مذهبش هم به ظاهر صحیح بوده (۴) و در طبقه امام حسن عسکری (ع) قرار دارد و دارای القاب الأشعری، القمی و المعلم است.

۲-۴ احمد بن محمد السیاری: او از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری (ع) است و نام وی با القابی همچون بصری و کاتب آمده است و در کتب رجال، از او بعنوان کسی یاد می شود که احادیثش ضعیف، غلو کننده و غالی (توصیفات ابن غضائری) و فاسد المذهب ذکر ذلک لنا الحسن بن عبیدالله، به روایتش عمل نمی شود و از آن اعراض می شود، چون روایت کننده زیاد از مراسیل بوده؛ نام برده اند (۱۰).

۲-۵ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْأَشْعَرِيِّ: او در طبقه امام رضا (ع) امام جواد (ع) و امام هادی (ع) ثقة امامی، مذهبش هم به ظاهر صحیح بوده، ثقة جلیل مورد اعتماد در نزد اصحاب (۴).

۲-۲۳ عُمَرُ بْنُ أَذِينَةَ: ایشان ثقة و از اصحاب امام صادق (ع) بوده؛ کتابی به نام فرائض دارد. برقی او را از اصحاب امام کاظم (ع) شمرده است (۷). نجاشی او را اهل بصره دانسته؛ او ثقة امامی، مذهبش هم به ظاهر صحیح بوده (۴)؛ و شیخ طوسی، نجاشی، ابن داوود و علامه حلی او را موثق دانسته اند (۴).

۲-۲۴ فَضَالَةُ بْنُ أَيُّوبَ: او ثقة، امامی مذهب بوده؛ و از امام کاظم و امام رضا (ع) روایت نقل کرده است (۴). لقب ازدی لقب معروف اوست. نجاشی، شیخ طوسی، ابن داوود و علامه حلی او و احادیثش را توثیق کرده اند و بنا بر قولی از اصحاب اجماع است (۴).

۲-۲۵ الْفُضَيْلُ بْنُ يَسَّارِ النَّهْدِيِّ: او امامی، ثقة جلیل و از اصحاب اجماع بوده و از طبقه امام باقر و امام صادق (ع)، خودش و پدرش و عمویش "العلاء" و جدش "الفضیل" همه ثقة بودند. و ممدوح در روایت به شمار آمده (۴)؛ القاب او النهدی، کوفی و بصری است.

۲-۲۶ الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأصفهَانِي: او امامی بوده و دارای مشکلی نبوده و القابش الْأصفهانی، القمی و کاسوله است.

۲-۲۷ الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ: ایشان اهل کوفه و از امام صادق و امام کاظم (ع) روایت نقل کرده؛ لقبش جوهری و واقفی مذهب است (۷).

۲-۲۸ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ الْكُوفِيِّ: او ثقة در حدیث صحیح است به جز آن روایاتی که از ضعفا نقل کرده (۴)؛ دارای شناخت خوب از حدیث (۸)، وکیل (۷) و متوقف فيه (۸). و القابش الْأسدی، الرازی و الكوفی است. ایشان ثقة و اهل کوفه است. کلینی در اصول کافی از او با نام های محمد بن جعفر اسدی و محمد بن اسماعیل بالبرمکی الرازی نام برده است و ظاهراً از مشایخ او است.

۲-۲۹ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَمِيرٍ زِيَادًا: ایشان ثقة، امامی، مذهبش هم به ظاهر صحیح بوده؛ از اصحاب اجماع امام صادق (ع) و جلیل القدر است. در من لایحضر الفقیه، تهذیب و استبصار در سند تعدادی از روایات وجود دارد (۴).

۲-۳۰ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ: وی معاصر چهار امام معصوم (ع)، امام جواد و امام هادی و امام عسکری (ع) و امام زمان (عج) بوده است. در عین حال، فرینه ای دال بر شرفیابی وی به حضور آن بزرگواران و نقل حدیث بدون واسطه یافت نشده است. بدین علت، شیخ طوسی وی را در شمار کسانی که بدون واسطه از ائمه (ع) روایت نکرده اند، یاد می کند. رجالیان وی را ثقة و جلیل القدر می دانند. هر چند نجاشی می گوید: "وی از ضعفا نقل روایت می کرد و به مراسیل اعتماد می نمود و توجهی نداشت که حدیث را از چه کسی می گیرد!" اما خود نجاشی او را فی نفسه خالی از طعن می داند (۴، ۷). القاب او الْأشعری و القمی و کنیه اش أبو جعفر است.

۲-۳۱ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ: ثقة جلیل، امامی، به ظاهر مذهبش صحیح؛ محدث، فقیه و متکلم پراوازه شیعه؛ و ناقتش مورد تایید رجالیون، در طبقه امام عسکری (ع) و دارای القاب الصفار، الأشعری، الأعرج و مموله (۴، ۸، ۱۲).

ثقه دانسته اند و ایرادی به روایات او وارد ندانسته اند (۴)؛ و در طبقه امام صادق و امام کاظم (ع) قرار دارد و القاب او النخاس، الْأسدی و کوفی است.

۲-۱۵ زُرَّارَةُ بْنُ أَعْيُنِ الشَّيْبَانِيِّ: او امامی، توصیفات دال بر صحت مذهب و ممدوح در روایت بوده (۹)؛ و از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) حدیث نقل کرده است. نجاشی، شیخ طوسی، کشی، ابن داود و علامه حلی او را ثقة دانسته اند و از اصحاب اجماع است (۴).

۲-۱۶ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمَنْقَرِيِّ: او عامی و ثقة (۹)؛ و فردی بسیار ضعیف بوده (۱۱)؛ و در طبقه راویان اصحاب جعفر بن محمد (ع) قرار دارد و از القاب وی المنقری، الشاذکونی، الْأصبهانی و بصری است.

۲-۱۷ سَهْلُ بْنُ زِيَادِ الْأَدَمِيِّ: درباره او دو قول متفاوت وجود دارد. عده ای چون نجاشی (۴) و ابن الغضائری (۳) او را بخاطر اینکه احمد بن محمد بن عیسی، به خاطر غلو کردنش در احادیث از قم بیرون کرده، تضعیف کرده اند. عده ای هم از جمله شیخ طوسی در کتاب رجال خود او را توثیق کرده اند (۷). سه مورد تضعیف در وصف او آمده که غالی، فاسد و بسیار ضعیف است و یک مورد هم توثیق که تضعیفات دقیق تراست (۶). از اصحاب امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری (ع) است.

۲-۱۸ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى الْبَجَلِيِّ: او از امام رضا (ع) حدیث نقل کرده و نزد ایشان صاحب منزلت بوده است (۶). ثقه، وکیل امام رضا (ع) (۷)، امامی (۴)، کشی در یکجا از او بعنوان ممدوح نام برده (۹) و در جای دیگر بعنوان مذموم در روایت (۹)؛ که با توجه به شخصیت راوی و توثیق بقیه رجالیون ممکن است ذم وی توسط کشی به دلیل تقیه بوده باشد. نجاشی، شیخ طوسی، کشی، ابن داود و علامه حلی او را توثیق کرده اند و از اصحاب اجماع است (۴).

۲-۱۹ الْعَلَاءُ بْنُ رَزِينَ الْقَلَاءِ: او اهل کوفه، امامی مذهب و از اصحاب امام صادق (ع) بوده؛ و با القاب ثقفی و کوفی معروف است (۴).

۲-۲۰ عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمَزَةَ الْبَطَّائِيِّ: ایشان از اصحاب امام کاظم و امام صادق (ع) است. در رجال طوسی و فهرست ایشان او واقفی مذهب معرفی شده است (۶) اما نجاشی درباره او می گوید مذهبش در ابتدا صحیح بوده سپس واقفی شده و از بزرگان و ستون های واقفیه بوده است (۴). ابن غضائری هم گفته که جداً ضعیف بوده و لعنتش کرده (۱۱)، در کتب با القاب بطائنی، انصاری و بغدادی از او نام برده شده است.

۲-۲۱ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ: او ثقة، امامی، مذهبش هم به ظاهر صحیح بوده؛ مختلف فيه و الظاهر أنه ثقة و ضعیف بوده (۷) و در طبقه امام هادی (ع) قرار دارد و دارای القاب الْأصفهانی، الْقاسانی، الْقاشانی و الْأصبهانی است.

۲-۲۲ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ: او ثقة، مورد اعتماد و دارای درستی مذهب بوده؛ و از اصحاب امام صادق (ع)؛ و لقبش قمی و کنیه اش ابوالحسن است (۴).

بررسی قرار گرفت و در نهایت معلوم گردید که کدام مصدر معتبر و کدامیک غیر معتبر (مشکوک یا مردود) است. همچنین در بررسی اسناد، حال سند از جهت اتصال و عدم اتصال تا معصوم بررسی شده که البته در آن به یک گزارش موجز بسنده کردیم و در این قسمت تک تک اتصال را با عبارت مسند و عدم اتصال را با تعبیر غیر متصل مطرح خواهیم نمود. همچنین در بررسی روایت، احوال روایت یک به یک در منابع رجالی شیعه بررسی شده است و در این قسمت فقط دلیل صحت یا ضعف سند را مطرح می‌نماییم و برای اطلاع از هر کدام (اعتبار منابع و حال روایت) به قسمت مربوطه باید مراجعه نمود.

۱. این روایت، روایتی ضعیف و مسند؛ تمام روایت سند تا معصوم متصل و ثقة بوده؛ ولی یک راوی در سلسله سند وجود دارد بنام القاسم بن محمد الاصفهانی که امامی و ضعیف مصرح است؛ و سلیمان بن داود المنقری و حفص بن غیاث النخعی غیر امامی ثقة هستند. مصدر اول: الکافی شیخ کلینی
۲. این روایت، روایتی موثق و مسند؛ تمام روایت سند تا معصوم متصل و ثقة بوده؛ ولی راویانی در سلسله سند وجود دارد بنام القاسم بن محمد الجوهری و علی بن ابی حمزه البطائنی که غیر امامی (واقفی) و ثقة هستند؛ مصدر اول: الکافی شیخ کلینی
- ۳ و ۴. این روایات، روایاتی صحیح و مسند بوده و تمام روایت سند تا معصوم متصل و ثقة است مصدر اول هردو روایت: الکافی شیخ کلینی.
۵. این روایت، روایتی ضعیف و مسند؛ تمام روایت سند تا معصوم متصل و ثقة بوده؛ ولی یک راوی در سلسله سند وجود دارد بنام المسمعی که فردی ضعیف مهمل است؛ مصدر اول: الکافی شیخ کلینی.
- ۶ تا ۱۰. این روایات، روایاتی ضعیف و مسند؛ تمام روایت سند تا معصوم متصل و ثقة بوده؛ ولی یک راوی در سلسله سند وجود دارد بنام الحسن بن العباس بن الحریش که فردی غیر امامی و بسیار ضعیف است؛ مصدر اول همه روایات: الکافی شیخ کلینی
۱۱. این روایت، روایتی ضعیف و مسند؛ تمام روایت سند تا معصوم متصل و ثقة بوده؛ ولی یک راوی در سلسله سند وجود دارد بنام الحسن بن العباس بن الحریش که او فردی غیر امامی و ضعیف است؛ مصدر اول: بصائر الدرجات صفار
- ۱۲ و ۱۳. این روایات، روایاتی ضعیف و مسند؛ تمام روایت سند تا معصوم متصل و ثقة بوده؛ ولی یک راوی در سلسله سند وجود دارد بنام الحسن بن العباس بن الحریش که او فردی غیر امامی و ضعیف است؛ مصدر اول هردو روایت: الکافی شیخ کلینی
۱۴. این روایت، روایتی ضعیف و مرسل؛ تمام روایت سند تا معصوم غیر متصل بوده؛ و بخاطر بعض اصحابنا و رجلاً که مبهم و باعث افتادگی در سند حدیث بوده؛ و فردی بنام احمد بن محمد السیاری غیر امامی و ضعیف مصرح است مصدر اول: الکافی شیخ کلینی
۱۵. این روایت، روایتی صحیح و مسند؛ تمام روایت سند تا معصوم متصل و ثقة بوده؛ مصدر اول: الکافی شیخ کلینی

- ۲-۳۲ محمد بن الحسن الطائنی الرازی: او امامی و ثقة علی تحقیق بوده و در نرم افزار سخنی از وی وجود ندارد.
 - ۲-۳۳ محمد بن الحسین بن ابی الخطاب: امامی ثقة جلیل القدر (۴)، شیخ طوسی او را ثقة معرفی کرده (۷)، کوفی و از اصحاب امام حسن عسکری و امام هادی و امام جواد (ع) بوده و با دو لقب الزیات و الهمدانی از وی ذکر شده است.
 - ۲-۳۴ محمد بن مسلم الثقفی: ایشان امامی مذهب، ثقة و از اصحاب اجماع و از اصحاب امام باقر، صادق و کاظم (ع) است و ممدوح در روایت بشمار می‌آید و در کتب رجال با القاب ثقفی، طحان و طائفی ذکر شده است (۱۳).
 - ۲-۳۵ محمد بن یحیی العطار: ثقة، توصیفات دال بر توثیق شده است (۴).
 - ۲-۳۶ محمد بن یعقوب الکلینی: او ثقة، ثقة ثبت، امامی، مذهبش هم به ظاهر صحیح بوده؛ نجاشی، شیخ طوسی، ابن داوود و علامه حلی او را توثیق کرده اند (۴)؛ و ممدوح بوده (۷) و صاحب اصول و فروع کافی بشمار می‌آید و القابش الکلینی و الأعور است.
 - ۲-۳۷ محمد بن عبد الجبار القمی: او ثقة، امامی، مذهبش هم به ظاهر صحیح و ثقة جلیل بوده (۸)؛ و در طبقه امام جواد، امام هادی و امام عسکری (ع) قرار دارد و لقبش القمی است.
 - ۲-۳۸ المفضل بن صالح (ابی جمیلة): اضعیف (۴)، بسیار ضعیف و ضعیف کذاب بوده (۱۱)؛ و در طبقه امام صادق و امام کاظم (ع) قرار دارد و دارای القاب الأسدی، الأسدی مولا هم، النحاس، نخاس و حداد است.
 - ۲-۳۹ یعقوب بن شعیب بن میثم التمار: او ثقة، امامی، مذهبش هم به ظاهر صحیح بوده؛ و نجاشی، ابن داوود و علامه حلی او را توثیق کرده اند (۴)؛ و در طبقه امام باقر، امام صادق و امام کاظم (ع) قرار دارد و القاب او الأسدی، الکوفی و التمار است.
- جدول شماره ۱- توصیفات رجالی
- از مجموع ۳۹ راوی مطرح شده در روایات، راویان موجود در این پژوهش به سه دسته کلی تقسیم بندی شده اند:
- الف) راویانی که از وثاقت و اعتبار بالایی در نزد مؤلفان کتابهای رجالی قرار گرفته بودند، که رقم بالایی را به خود اختصاص داده بودند؛ یعنی ۳۵ راوی معتبر (که در کتب رجالی نام و وصفی دال بر مدح یا توثیقشان ذکر شده)، که بیش از ۹۰ درصد از راویان از وثاقت برخوردار بوده اند.
- ب) سه راوی لفظ ضعیف (در کتب رجالی نام و وصفی دال بر جرح و قدحشان اعم از غلو و فساد مذهب و ضعف حافظه، ذکر شده) را به خود اختصاص داده بودند.
- ج) یک راوی مهمل وجود دارد.
- ۳- ارزیابی مصدر و سند
- در این قسمت سه نوع ارزیابی که زمینه بررسی‌های آن در قسمت‌های قبل انجام شده بر روی هر روایت بطور نهایی صورت می‌گیرد. در قسمت‌های قبل مصادر روایات از سه جهت مورد

۲. در بسیاری از روایات تقدیر امور و برنامه ریزی سال، دو مطلب مهم است که در روایات (۳ تا ۶) شایان توجه‌اند عبارتند از: اول، رقم خوردن سرنوشت یکساله انسان از قبیل حیات و مرگ، رزق و روزی، سعادت و شقاوت و حوادثی که در طول سال رخ می‌دهد در شب قدر، و در چارچوب مقدرات او در علم ازلی خداوند است. به دیگر سخن، به گفته روایات اهل بیت (ع)، آنچه در علم حضرت حق، در طول سال برای مردم مقدر است، به صورت برنامه‌ای نوشته شده آشکار می‌شود که فرشتگان، آن را می‌نویسند و به امام عصر (ع) تحویل می‌دهند. و این، به تناسب کاری است که انسان در شب قدر انجام می‌دهد. دوم، بر اساس شماری از روایات، تعیین سرنوشت انسان در شب قدر و رقم خوردن آنچه در یک سال کامل بر او خواهد گذشت، به معنای آن نیست که او به طور کامل در برابر این سرنوشت، بی‌اختیار باشد، بدان سان که برای تغییر آن، هیچ کاری از او بر نیاید؛ بلکه می‌تواند در سایه سار دعا و توسل و با کارهای شایسته، مقدرات حتمی خود در شب قدر را نیز تغییر دهد. با توجه به ساختار و مضمون این گونه روایات و افزودن آن به ادله قطعی، که بر «اجابت دعا در طول سال بخصوص در عرفات و حرم‌های مطهر» دلالت دارند، نمی‌توان ظاهر برخی روایات را پذیرفت که: مقدرات شب قدر، هرگز تغییرناپذیر نیست.

۳. آنچه که از روایات متعدد در زمینه شب قدر و اختصاص آن به پیشوایان الهی (ع) وارد شده است، نشان می‌دهد که شب قدر با وجود اهل بیت (ع) معنا پیدا می‌کند و بر همین اساس است که حقانیت اهل بیت (ع) با سوره قدر قابل اثبات است و در روایات به این امر اشاره شده است (۱). بنابراین این روایات بیانگر رابطه ای عمیق میان شب قدر و اهل بیت (ع) است. مثلاً درباره (روایت ۷) در *مرآة العقول* آمده است: «منظور از "آنها" با فتحه همزه این است که به جای شب قدر بکاررفته است، و در آن پاسخی است به مخالفانی که ادعا می‌کردند که شب قدر پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باقی نمی‌ماند، وجود دارد.» (۲) در (روایت ۸) به عهده داری برنامه سال در شب قدر توسط اهل بیت (ع) بعنوان والیان امر الهی پرداخته شده است، بطوری که در این روایت، به جانشینان بعد از پیامبر (ص) یعنی همان دوازده امام معصوم (ع) که از طرف خداوند منصوب گردیده‌اند، نیز اشاره شده است. بنابراین، باید اشاره نمود که مؤمن حقیقی کسی است که هم استمرار شب قدر تا قیامت را بپذیرد و هم وجود حجت زمان و ولی امر و امام معصوم (ع) را، که دریافت کننده این امر الهی است، که امروزه در وجود مقدس بقیه الله الاعظم، حضرت مهدی (عج)، تبلور و ظهور یافته است.

۴. در ذیل عنوان نزول ولایت امیرالمومنین علی (ع) و امامان (ع) در شب قدر تعداد ۲ روایت وجود دارد، روایات (۹ و ۱۰)؛ بطوری که در این روایات به نام‌های مبارک ائمه اطهار (ع)؛ و نیز به علم و

۱۶. این روایت، روایتی ضعیف و مسند؛ تمام روایت سند تا معصوم متصل و ثقه بوده؛ ولی یک راوی در سلسله سند وجود دارد بنام الحسن بن العباس بن الحریش که او فردی غیرامامی و ضعیف بشمار آمده است؛ مصدر اول: الکافی شیخ کلینی

۱۷. این روایت، روایتی صحیح و مسند بوده و تمام روایت سند تا معصوم متصل و ثقه است مصدر اول: الکافی شیخ کلینی.

۱۸. این روایت، روایتی موثق و مسند بوده و تمام روایت سند تا معصوم متصل و ثقه بوده؛ و بخاطر فردی بنام الحسن بن علی بن فضال التیمی در سلسله سند که غیرامامی (فطحی) و ثقه است؛ این روایت موثق تلقی می‌گردد. مصدر اول: الکافی شیخ کلینی.

جدول شماره ۲ - نوع سند

از لحاظ اعتبار سندی:

با توجه به مبنای کار ارزیابی صدور (سندی) در این مقاله که روایات با صحیح، موثق و یا ضعیف می‌باشند در نهایت از ۱۸ روایت ۴، روایت صحیح السند، ۲ روایت موثق و بقیه ضعیف السند ارزیابی شدند. بدین صورت که: در دوازده روایت (۱، ۵ تا ۱۴ و ۱۶) به دلیل وجود راویان ضعیف، باعث ضعف سند گشته است؛ و در دو روایت (۲ و ۱۸)، به دلیل وجود راویان غیرامامی (واقفی) و غیرامامی (فطحی) وثقه سند آن روایات موثق تلقی گردید.

ج) تحلیل فقه الحدیثی (متنی) روایات

در این قسمت به تحلیل روایات؛ در قالب نگاهی به محتوای متن پرداخته می‌شود.

۱. در روایاتی (۱ و ۲) که مربوط به شب قدر، شب نازل شدن قرآن کریم است، در روایت (۱) پرشش حفص بن غیاث از گونه دیگر نزول یعنی نزول دفعی قرآن کریم است. دیگر اینکه الف و لام القرآن، الف و لام استعراق است و دلالت بر نزول همه قرآن در شب ۲۳ ماه رمضان دارد. مبحث نازل شدن کتب آسمانی در ماه رمضان بخصوص نازل شدن قرآن کریم در شب قدر، مطرح گردید، پس چهار کتاب آسمانی هریک در شبی از ماه رمضان به یکباره نازل شده؛ اما کامل ترین کتاب الهی قرآن کریم در شب بیست و سوم، شب قدر فرود آمده است؛ و در مورد نزول قرآن کریم در شب قدر که در قرآن کریم نیز بدان تصریح شده است که پیوست آیات قرآن کریم به یکدیگر^۵ اشاره به این امر دارند؛ بیشتر این روایات، از حیث مفاد، تقریباً همسو و همگون، ولی از حیث اجمال و تفصیل، متفاوتند. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه در جمع این روایات می‌گوید: قرآن بر قلب پیامبر یا بیت المعمور یا آسمان دنیا نازل شده و این روایات هیچ گونه منافاتی با یکدیگر ندارد و قابل جمع اند؛ زیرا قلب آن حضرت از بیت المعمور و آسمان چهارم و آسمان دنیا و همه عوالم آگاه است و به همه آن‌ها راه دارد جز به لوح محفوظ که علم مکتون و خاص خداوند است.^۶

۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷.

۶. البقرة / ۱۸۵؛ دخان / ۳؛ قدر / ۱.

بوده و تا پایان جهان و وجود انسان در آن نیز تداوم خواهد داشت؛ بطوری که عبارت «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ؛ آن شب تا دمیدن سپیده، ایمن است» در روایات، مفهوم تداوم دارد و ایمن و سلامتی بودن در این شب، یعنی اینکه مومنان از شر شیطان و دیگر آفات ظاهری و باطنی در امان هستند؛ و گفته شد که مراد از آن این است که فرشتگان بر مومنان گذر کرده و بر آنان سلام می کنند. در *مفردات* گفته شده کلمه «سلام» و «سلامت» به معنای عاری بودن از آفات ظاهری و باطنی است پس جمله «سلام هی» اشاره ای دارد به اینکه عنایت الهی تعلق گرفته است با اینکه رحمتش شامل همه بندگانی بگردد که به سوی او روی آورده اند و نیز به اینکه در خصوص شب قدر باب نغمتش و عذابش بسته باشد بدین معنا که عذابی جدید نفرستد و لازمه این معنا آن است که طبعاً در آن شب کید و مکر شیطان ها مؤثر نشود همچنان که در بعضی از روایات هم به این معنا اشاره گردیده است ولی برخی از مفسران گفته اند: مراد از کلمه «سلام» این است که در آن شب ملائکه از هر مؤمن مشغول به عبادت که بگذرند، سلام می دهند. بنابراین طبق برخی روایات یکی دیگر از اهداف نزول ملائکه سلام بر مؤمنان است. و این شب سراسر سلام و سلامتی است؛ و در تفسیر مجمع البیان در این خصوص مشاهده می کنیم که دیدگاه های متفاوتی وجود دارد که عبارتست: از دیدگاه برخی ها منظور این است که فرشتگان به همراه جبرئیل در شب قدر بر زمین فرود می آیند تا زمزمه صادق و نیایش و تلاوت قرآن و راز و نیاز بندگان خالص و کمال طلب خدا را بشنوند و توبه و اصلاح پذیری و کارهای شایسته آنان را بنگرند. اما به باور بعضی دیگر، تا بر بندگان با معنویت خدا به امر او سلام نثار کنند. از دیدگاه برخی، فرشتگان به همراه جبرئیل هر آنچه را تدبیر، مقدر و مقرر شده است به آسمان دنیا می آورند تا ساکنان آسمان دنیا بدانند و از رویدادهای سال آینده به لطف حق آگاهی یابند.

۷. با توجه به بررسی و تأمل در روایات وجود تکرار شب قدر در هر سال (۱۴ و ۱۵)، درمی یابیم که شب قدر، ویژه زمان نزول قرآن و دوران پیامبر (ص) نبوده؛ بلکه همیشگی و قابل تکرار در هر سال است و از آغاز آفرینش انسان بوده و تا پایان جهان و وجود انسان در آن نیز تداوم خواهد داشت؛ بطوری که همه امت ها و اقوام گذشته و حال و آینده را در برمی گیرد و شماری از این روایات، استمرار این شب را از آغاز ابتدای خلقت و همراه انسان تا پایان عمر جهان، تأیید می کنند.

۸. علامه مجلسی درباره عبارت "أَوَّلَ مَا خَلَقَ الدُّنْيَا" در ابتدای روایت (۱۶) می فرماید: این عبارت به مقدم بودن شب بر روز اشاره دارد که ممکن است منظور اولین شب از شهبای دنیا است. شاید سرآفرینش شب قدر با آفرینش دنیا و وجود نبی یا وصی در آن شب این باشد که در شب قدر هر امری که در دنیاست تدبیر می شود و

دانش آنها پرداخته شده؛ و در کنار دیگر امور هستی که در شب قدر، تقدیر، اندازه گیری و امضا می گردد، ولایت اهل بیت (ع) نیز در این شب مقدر و امضا گردیده است؛ و باید خاطر نشان کنیم که سوره قدر به سوره ولایت معروف و مشهور است بطوریکه این سوره، سوره ای است که از حقانیت علی بن ابیطالب (ع) و فرزندان پاکش دفاع می کند.

۵. در روایات (۱۱ و ۱۲) به نزول فرشتگان بر صاحب الأمر در شب قدر اشاره شد که خدای سبحان در واقع، کامل ترین و شایسته ترین و برترین انسان را که همان صاحب الامرست را، از برنامه ریزی و حکم خود، آگاه می سازد. البته این نکته، هر چند که با صراحت به امام معصوم نسبت داده نشده؛ لیکن جمع بندی مضمون همه اینگونه روایات است که در این باب آمده است. در مورد روایت (۱۲) می توان گفت: از ویژگی های شب قدر، اختصاص داشتن آن به امام مهدی (عج) است. بنابراین با توجه به این روایات می توان نتیجه گرفت ملائکه در زمان پیامبر برایشان و بعد از وفات آن حضرت برائمه (ع) یکی پس از دیگری هیوط و نزول می یابند و این روایات خود مهرتأکیدی است که شب قدر با وفات پیامبر اکرم (ص) از بین نرفته و پایان نمی یابد و همچنان ادامه دارد. این امور تشریفاً برامامی که خلیفه در زمین بعد از رسول خداست نازل می شود و در زمان ما بر فرشتگان در شب قدر بر امام مهدی (عج) نازل می گردد.^۶ فرود آمدن جبرئیل و انبوهی از فرشتگان آسمان، برای تعیین سرنوشت همراه با خیر و برکت معنوی است مضارع بودن فعل «تنزل» حاکی از استمرار نزول فرشته هاست آنها تنها یک بار نازل نمی شوند. یک بار بر زمین نزول و یک بار هم به آسمان صعود کنند، بلکه این نزول و صعود پیوسته از آغاز شب تا طلوع فجر ادامه دارد (۳). فضای آن شب، فضای ملکوتی و سراپا معنویت و نشانه گسترش رحمت خاص الهی در آن ساعات است. و در مورد مقام فرود فرشته ها باید گفت: همگان شایستگی پذیرش فرشتگان را ندارند و آنان بر هر قلبی فرود نمی آیند؛ تربیت دینی، معنویت عالی و ظرفیت معنوی می خواهد تا زمینه نزول ملائک فراهم آید. از همین رو، امام زمان (ع) که به عنوان حجت ثابت خدا بر خلق در میان بندگان و دین باوران حضور دارد، فرشته های آسمان نیز، در حقیقت به عنوان شاهد امت و به عنوان مرجع و ملجأ مردم و به نیابت از همه، به خدمت حضرتش مشرف می شوند. چنانکه در متون روایی منعکس شده است که حضرت فرمود: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَرُوحُ الْقُدُسِ، عَلَى إِمَامٍ زَمَانٍ وَ يَرْفَعُونَ إِلَيْهِ مَا قَدْ كُتِبَ» (۱۴) (در شب قدر) فرشتگان و روح القدس، بر امام زمان (ع) فرود می آیند و آنچه (از اعمال مردم) نوشته اند به او تحویل می دهند.

۶. با تأمل در روایت شب قدر، بعنوان شبی ایمن و سلامت تا دمیدن سپیده (۱۳)، دریافتیم که شب قدر، ویژه زمان نزول قرآن و دوران پیامبر (ص) نیست؛ بلکه همیشگی است و از آغاز آفرینش انسان

۶. عاشور، سیدعلی، المکنون فی علم آل محمد، ص ۱۴۰.

۱. روایات، مربوط به شب قدر، شب نازل شدن قرآن کریم، به صراحت از نزول دفعی به بیت المعمور یا بیت العزّة^۸ و سپس از نزول تدریجی بر پیامبر (ص) حکایت دارد و شماری دیگر، صرفاً در نزول یکباره قرآن در شب قدر ظهور دارد. بنابراین ظاهر آیات مربوط به نزول قرآن در شب قدر، از نزول دفعی آن حکایت دارد.

۲. در روایات تقدیر امور و برنامه ریزی سال، دو مطلب مهم است؛ اول، رقم خوردن سرنوشت یکساله انسان از قبیل حیات و مرگ، رزق و روزی، سعادت و شقاوت و حوادثی که در طول سال رخ می دهد در شب قدر، و در چارچوب مقدرات او در علم ازلی خداوند است. دوم، تعیین سرنوشت انسان در شب قدر و رقم خوردن آنچه در یک سال کامل بر او خواهد گذشت، به معنای آن نیست که او به طور کامل در برابر این سرنوشت، بی اختیار باشد، بدان سان که برای تغییر آن، هیچ کاری از او بر نیاید؛ بلکه می تواند درسایه سار دعا و توسّل و با کارهای شایسته، مقدرات حتمی خود در شب قدر را نیز تغییر دهد.

۳. روایات اختصاص شب قدر به پیشوایان الهی، نشان می دهد که شب قدر با وجود اهل بیت (ع) معنا پیدا می کند و بر همین اساس است که حقانیت اهل بیت (ع) با سوره قدر قابل اثبات است.

۴. عهده داری برنامه سال در شب قدر توسط اهل بیت (ع) بعنوان والیان امر الهی به جانشینان بعد از پیامبر (ص) یعنی همان دوازده امام معصوم (ع) که از طرف خداوند منصوب گردیده اند، اشاره دارد. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که مؤمن حقیقی کسی است که هم استمرار شب قدر تا قیامت را بپذیرد و هم وجود حجت زمان و ولی امر و امام معصوم (ع) را، که دریافت کننده این امر الهی است.

۵. در ذیل عنوان نزول ولایت امیرالمومنین علی (ع) و امامان (ع) در شب قدر به نام های مبارک ائمه اطهار (ع)؛ و علم و دانش آنها پرداخته شده؛ و ولایت اهل بیت (ع) نیز در این شب مقدر و امضا گردیده است؛ و باید خاطر نشان کنیم که سوره قدر به سوره ولایت معروف و مشهور بوده؛ و سوره ای است که از حقانیت علی بن ابیطالب (ع) و فرزندان پاکش دفاع می کند.

۶. در نزول فرشتگان بر صاحب الامر در شب قدر خدای سبحان صاحب الامر را، از برنامه ریزی و حکم خود، آگاه می سازد. پس می توان گفت: از ویژگی های شب قدر، اختصاص داشتن آن به امام مهدی (عج) است. بنابراین نتیجه اینست که ملائکه در زمان پیامبر برایشان و بعد از وفات آن حضرت برائمه (ع) یکی پس از دیگری هیوط و نزول می یابند و این روایات خود مهرتأکیدی است که شب قدر با وفات پیامبر اکرم (ص) از بین نرفته و پایان نمی یابد و همچنان ادامه دارد.

هر چیزی که در عالم به وجود می آید اندازه گیری می شود و فرشتگان و روح در آن به اذن پروردگارشان برای هر امری به نبی یا وصی نازل می شوند همانطور که این مطلب در متون آمده است. و تعیین وصی برای نبی در آن شب است و اگر دنیا مقدم بر شب قدر باشد لازم می آید که امور دنیا وجود داشته باشند قبل از این که اندازه و مقدار آنها مقدر شده باشد و اگر شب قدر مقدم بر دنیا باشد لازم می آید که فرشتگان به خاطر نبودن مکان برای نزول نازل نشوند (۲). اما در نقلی دیگر مولی صالح مازندرانی هم این عبارت را چنین معنا می کند: ممکن است منظور این باشد که زمان از ابتدا تا انتهایش، خالی از شب قدر نیست و یا این که اولین شب هنگام خلقت دنیا، شب قدر بوده و قضای الهی بر این تعلق گرفت که تفسیر و شرح امور در آن شب بر کسی که شایستگی اش را دارد بیاید (۱۵).

نتیجه گیری

این روایات از سه جهت مورد بررسی قرار گرفت: وجود روایت در منابع و مصادر معتبر، ارزیابی سندی، ارزیابی متنی؛ و در آن به بررسی ۱۸ روایت پرداختیم که یک روایت از پیامبر اکرم (ص)، چهار روایت آن از قول امام باقر (ع)، شش روایت از امام صادق (ع) نقل شده؛ و هفت روایت از امام جواد (ع) که همه روایت ها مسند بجز یک مورد که مرسل است. در بخش مصادر، همه مصادر حدیثی طی بررسی های به عمل آمده، بر اساس معیار اعتبار سنجی (سه مؤلفه ی: وثاقت مؤلف، اطمینان از انتساب کتاب به مؤلف و سلامت کتاب تاکنون)، از منابع معتبر بوده است و فقط در مورد کتاب بصائر الدرجات اختلاف نظر وجود داشت که به آن پرداختیم. همانطور که مشاهده کردید، روایات مذکور علاوه بر مصادر اولیه بصائر الدرجات و کافی در منابع معتبر دیگر مانند: الفقیه، تهذیب الاحکام، الوافی، بحار الانوار و وسائل الشیعه نیز نقل شده است که این منابع مهم و معتبر، از کتب اربعه متقدم و متاخر، اعتبار و صحت روایات مذکور را افزایش می دهد. در قسمت بررسی های سندی از دو جنبه اتصال و عدم اتصال آخرین راوی به معصوم و وثاقت تک تک روایات (۳۹ راوی) به تحلیل و بررسی پرداختیم. در نهایت هریک از روایات جهت اتصال، صحت حال راویان و مصدر روایت تحلیل گردیده و در ارزیابی مصدر و سند گزارش داده شد. با توجه به مبنای کار ارزیابی صدوری و متنی در این مقاله که روایات با صحیح، موثق و یا ضعیف می باشند در نهایت از هیجده روایت، چهار روایت صحیح السند، دو روایت موثق و دوازده روایت ضعیف السند ارزیابی شدند. در بخش فقه الحدیثی به تحلیل روایات؛ در قالب نگاهی به محتوای متن روایات پرداخته؛ و از مضمون این روایات ها می توان چنین نتیجه گرفت که:

وجود بیت المعمور، متواتر و علم آور است؛ گرچه برخی از مسائل جنبی و ویژگی های آن در روایات مورد اختلاف است.

^۸ تعبیر "بیت المعمور" در احادیث شیعه و تعبیر "بیت العزّة" در روایات اهل سنت آمده است. بر اساس روایات، بیت المعمور جایگاهی مقدس در آسمان چهارم و مطاف و حرم امن الهی برای فرشتگان است. باید گفت که روایات راجع به اصل

انسان بوده و تا پایان جهان و وجود انسان در آن نیز تداوم خواهد داشت؛ بطوری که همه امت‌ها و اقوام گذشته و حال و آینده را در برمی‌گیرد و شماری از این روایات، استمرار این شب را از آغاز ابتدای خلقت و همراه انسان تا پایان عمرجهان، تأیید می‌کنند.

۹. در روایتی شب قدر را آغاز سال می‌دانند که به اعتبار سال برنامه‌ریزی امور مردم و سامان بخشیدن به وضع آنان و آنچه پیش خواهد آمد، صادر شده‌اند. با همین اعتبار، شب قدر، در روایات پایان سال نیز به شمار می‌رود؛ یعنی پایان سال برنامه‌ریزی شده‌ای که سپری شده و اوّل سال برنامه‌ریزی شده جدید است.

۷. با تأمل در شب قدر، بعنوان شبی ایمن و سلامت تا دمیدن سپیده، دریافتیم که عبارت «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ؛ آن شب تا دمیدن سپیده، ایمن است» در روایات، مفهوم تداوم دارد و ایمن و سلامتی بودن در این شب، یعنی اینکه مومنان از شرشیطان و دیگرآفات ظاهری و باطنی درامان هستند؛ و گفته شد که مراد از آن این است که فرشتگان بر مومنان گذر کرده و بر آنان سلام می‌کنند.

۸. با توجه به روایات وجود تکرار شب قدر در هر سال متوجه شدیم که شب قدر، ویژه زمان نزول قرآن و دوران پیامبر (ص) نبوده؛ بلکه همیشگی و قابل تکرار در هر سال است و از آغاز آفرینش

References

The Holy Quran

1. Kolni MBY. Al-Kafi. Ghaffari AA, editor. Tehran: Dar Al-Kotob Al-Islamiyah; 1986. (In Persian).
2. Majlisi MB. Bihar Al-Anwar. Beirut: Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi; 1982. (In Persian).
3. Tabatabaei SM. Familiarity with the history and sources of hadith, 2nd ed. Nashr-e-Hajar Publication; [n.d.]. (In Persian).
4. Najashi A. Rijal Najashi. Qom: Jam'e Modarresin Publication; 1986. (In Persian).
5. Tusi MH. Ikhtiyar Ma'rifat Al-Rijal. Mustafavi H, editor. Mashhad: Mashhad University Press; 1969. (In Persian).
6. Tusi MH. Al-Fihrist. Tabatabaei AA, editor. 1st ed. Qom: Maktabah Al-Muhaqqiq Al-Tabatabai; 2001. (In Persian).
7. Tusi MH. Rijal Al-Tusi. Qiyumi Asfahani J, editor. 1st ed. Qom: Islamic Publishing Office; 1996. (In Persian).
8. Helli HA. Rijal. Vol. 1. Tehran: Tehran University Publications; 2004. (In Persian).
9. Kashi MB. Rijal Al-Kashi. Mashhad: Mashhad University Press; 1991. (In Persian).
10. Allamah Hilli HB. Khulasat Al-Aqwal. Vol. 1. Qom: Dar Al-Dhakha'ir; 1990. (In Persian).
11. Ibn Ghadairi AH. Rijal Ibn Ghadairi. Husayni Jalali MR, editor. 1st ed. Dar Al-Hadith; 1985. (In Persian).
12. Khoei SA. Mu'jam Rijal Al-Hadith. Qom: Markaz Nashr Athar Shia; 1991. (In Persian).
13. Barqi AM. Al-Rijal. Ermoi MH, editor. Tehran: Tehran University Press; 1963. (In Persian).
14. Fayd Kashani M. Al-Wafi. Esfahan: Library of Imam Ali; 1987. (In Persian).
15. Mazandarani MS. Sharh Usul Al-Kafi. Al-Usul Wal-Rawdah. Tehran: Al-Maktabah Al-Islamiyah; 2003. (In Persian).